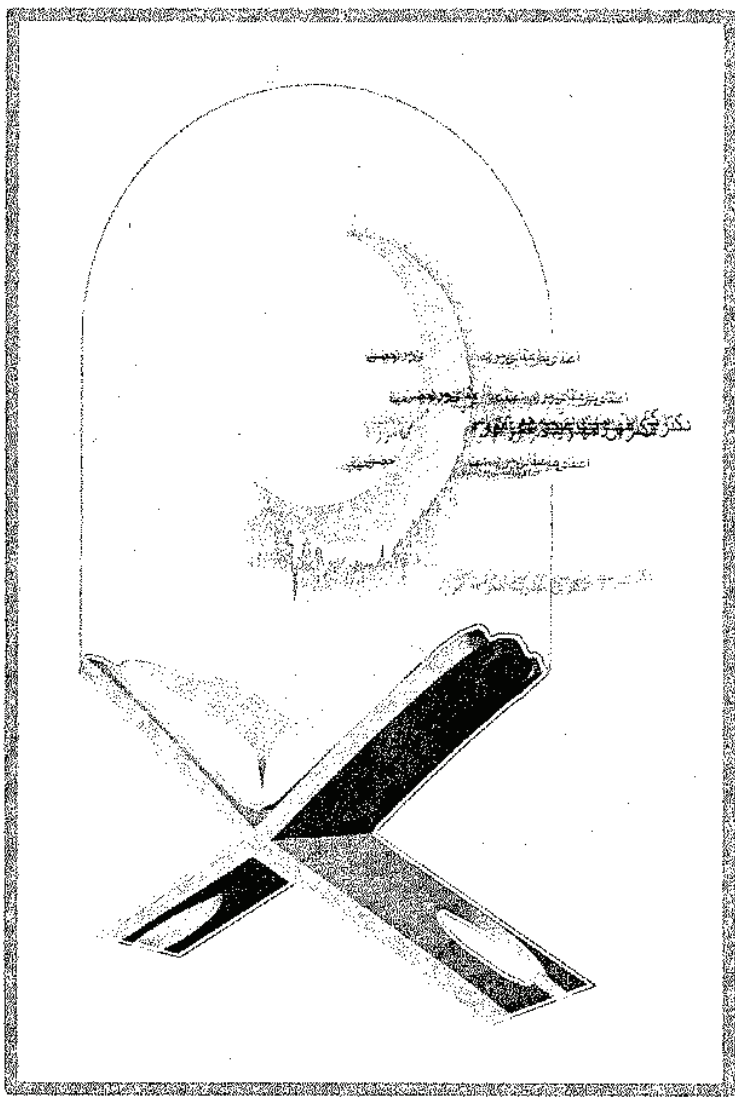


<p>کتابخانه</p>		
	<p>جایگاه دکترین مہدیہ در اسلام از منظر قرآن کریم</p>	<p>پیشگام</p>



از خبری

ما به احوال شما آگاهیم
و هیچ خبری از شما بر ما
پوشیده نیست

امتیاز علی بن علی ج ۲ ص ۳۱۱

اشاره:

اهداف بلند اسلام راستین در امامت تجلی یافته است و تحقق اهداف رفیع و گسترده امامت در مهدویت به ثمر می‌نشیند. و مهدویت در فردی معصوم از تبار خاتم پیامبران تجلی یافته است تا برگ برنده و زرین تحقق تمام و کمال اهداف رسالت‌های الهی در طول تاریخ را از آن خود کند و قدرت دین را همراه حکمت و رحمت بر گستره زمین برافراشته نموده و بشریت سرگردان را به سر منزل معبود و مقصود هدایت نماید.

قرآن کریم روشی ویژه و منحصر به فرد برای مطرح نمودن دکترین مهدویت به کار گرفته است و تمام اصول خود را در این الگو نهادینه نموده است. و با توجه به سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی و نوید و تحقق این آرمان بزرگ الهی را به بشریت داده است و منتظران راستین امام مهدی علیه السلام را بینشی روشن و مسیری صحیح و انگیزه‌ای متعالی بخشیده است، و آنان را به سوی سازندگی همه جانبه در دوران انتظار دعوت نموده و شاخصها و ویژگیهای منتظران را نیز ترسیم کرده است.

کلید واژه‌ها:

۱. قرآن کریم؛
۲. اسلام؛
۳. دکترین مهدویت.

۱. قرآن کریم، یگانه مرجع وحیانی اسلام است که به صورت تدوین شده و مکتوب نیز^۱ به دست ما رسیده است.

اعجاز قرآن کریم، دسترسی انسانها به گزاره‌های وحیانی آن را آسان نموده است. از جمله وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است که قرآن را کتاب علم و دانش، و منبعی سرشار و لایزال قرار داده است، و حقایق و قوانین هستی را در کنار سنت‌های الهی حاکم بر جوامع بشری - به گونه‌ای بسیار گویا و قابل فهم - برای ما انسانها به ارمغان آورده، ما را به تحقیق و پژوهش در این کتاب آسمانی مدوّن و تحریف‌ناپذیر دعوت نموده است.

۱. قرآن کریم به صورت تلاوت متواتر نیز به دست نسل‌های پس از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ شده است.

بنابراین، برای دستیابی به دیدگاه‌های آخرین آیین آسمانی در باب حقایق جهان هستی و سنت‌های حاکم بر آن باید به قرآن کریم مراجعه کرده و از رهنمودهای این کتاب نامتناهی و معجزه همیشه جاوید اسلام پیوسته بهره‌مند شویم، و بسیاری از اصول، فروع و نیز اسرار انسان و هستی را از متن و بطن قرآن کریم بیرون کشیده و در فضای آشوب‌زده علوم، عرضه‌ای زیبا و آراسته از حقایق قرآنی داشته باشیم.

۲. اسلام، قله‌های رفیع هستی، و قله‌های کمال انسانی را بهم پیوند داده، و راهنمای انسان در تمام مراحل هستی بوده است و همواره بهترین و شایسته‌ترین طرح و برنامه، امکانات و مسیر رسیدن به قله‌های کمال انسانی را فرا روی انسان نهاده است و آخرین سخن خود را در آخرین آیات وحیانی خود - برای تمام بشریت - به خوبی ترسیم کرده است. آنجا که پیامبر خاتم پس از ابلاغ آخرین پیام الهی، و پایه‌گذاری مهمترین عامل استقرار حاکمیت الهی در جامعه بشری؛ یعنی امامت، به دریافت آیه‌ای رسا از محکّمات ام‌الکتاب نایل می‌گردد و آن را برای بشریت به عنوان هدیه‌ای الهی اما بسیار بزرگ و بی‌بدیل به ارمغان می‌نهد:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام

دیناً»^۱

در چنین روزی با پایه‌گذاری اصل متین و استوار امامت در نهاد جامعه اسلامی، کامل‌ترین دین (اسلام) و متمم نعمت‌های الهی (نعمت امامت) بر انسانیت سایه افکنده، و اسلام در این چهره زیبا و آسمانی تجلی یافته، مترقی‌ترین آیین الهی برای بشریت گشته است. تمام نقشه‌های دشمنان اسلام، با بنیان‌گذاری اصل امامت، نقش بر آب شده و نوید پیروزی جهانی دین مبین اسلام، و شکست مفتضحانه بدخواهان این رسالت آسمانی، علیرغم همه تنگناها و مشکلات، امری مسلم گشته، استقرار آیین حق در جامعه بشری بدون تردید و بدون وقفه انجام می‌یابد و بشریت به سوی اهداف از پیش تعیین شده در حرکتی پیوسته و تکامل‌زا و تکامل آفرین خواهد بود.

«الیوم یئس الذین کفروا من دینکم، فلا تخشوهم و اخشون»^۲

۱. مائده، ۳.

۲. امروز کافران از دین شما (از آسیب‌زدن به دین شما) نا امید گشتند، پس از آنان هراس نداشته باشید و از من هراس داشته باشید. (مائده: ۳)

بنابراین، با توجه به استقرار اصل امامت در نهاد جامعه اسلامی و جامعه انسانی، هیچگونه ترس و واهمه‌ای از تسلط کافران و بدخواهان بر این مکتب و برنامه الهی، نداشته باشید؛ زیرا که تمام امیدهای آنان به یأس و نومیدی تبدیل گشته و نباید به خود هرگونه هراسی را راه دهید، و به جای ترس از آنان، از آفریدگار حکیم، دانا، مهربان و تدبیر کننده زندگی تان بترسید، و در حقیقت از ضعفهای خود در برابر تکالیف سنگین الهی که بر دوش شما گذاشته شده است و عدم حرکت در راستای امامت راستین باید بیم داشته باشید.

این پیام بسیار رسا و حکیمانه قرآن کریم، مسیر طبیعی و منطقی تمام انسانها را در عصر امامت راستین - که پس از ارتحال ملکوتی خاتم پیامبران، عهده‌دار رهبری جامعه انسانی است - ترسیم نموده است، و نقش امامت راستین را در طول تاریخ تبیین می‌نماید.

۳. مهدویت در اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار بوده و آخرین قله از قله‌های امامت راستین برای بشریت است، که در جای جای آیات قرآن، ریشه و اصول و پایه‌های آن، و مصادیق و نقش‌های زیبا و حیاتی آن گوشزد شده است.

سوره‌های مکی و مدنی قرآن، به طور پیوسته و بسیار نغز، حق‌مداری قوانین الهی و عدالت‌مداری برنامه‌های اسلام را مطرح می‌کند، و ارزشی بودن این حرکت پیوسته را در امامت راستین اسلام متجلی نموده، و نمونه بی‌بدیل حق‌گرایی و عدالت‌مداری را در مهدویت اسلامی خلاصه کرده است.

تجلی اهداف بلند اسلام در امامت، و تجلی امامت گسترده و فراگیر در مهدویت، و تجلی مهدویت در فردی از تبار خاتم پیامبران؛ یعنی حضرت محمد بن الحسن العسکری علیه السلام به این معناست که تمام اهداف انبیای پیشین را در مقطع زمانی خاص جاری و ساری کرده و برگ زرین این پیروزی موعود را در دست قدرت، حکمت و رحمت خود گرفته، بشریت را به سر منزل مقصود می‌رساند.

روش‌شناسی فرهنگ آفرینی قرآن کریم

قرآن کریم برای آفریدن فرهنگی نوین، و زدودن فرهنگ جاهلی آمیخته با واپس‌گرایی شرک و بت‌پرستی، لازم بود که جهشی نو و حرکتی پیوسته در جهت بازیافت توحید ناب - و

فراموش شده یا آلوده به مفاهیم مسخ شده و اساطیر برخاسته از ذهنیتهای حصار یافته با زنجیرهای شرک و بت پرستی - را آغاز نماید؛ به همین جهت، برای رسیدن به این هدف بزرگ، روشی ویژه به کار گرفت.

ترتیب نزول آیات و سوره‌های قرآن کریم در دوران ۱۳ ساله مکه و ده ساله مدینه می‌تواند نشانگر این روش باشد.

هر چند که اصول این روش در چند کلمه خلاصه می‌شود، اما پیاده کردن و اجرای صحیح آن به زمانی طولانی و آیاتی فراوان و پیوسته نیاز داشت، و آثار موفقیت روش قرآن را در تحقق یک جهش عظیم و آن هم در زمانی بسیار اندک - با توجه به عمق تخریب فرهنگی ناشی از تحریف مفاهیم بلند آسمانی، که در تعالیم ابراهیم خلیل و تعلیمات ناب موسای کلیم و عیسی روح الله علیه السلام تجلی یافته بود - می‌توانیم لمس کنیم.

فرهنگ سازی و فرهنگ زایی قرآن کریم را در کنار آسیب‌زایی فرهنگ جاهلی باید مطالعه نماییم، تا زیباییهای فوق‌العاده و معجزه برتر این کتاب الهی را به خوبی در یابیم.

روش منحصر به فرد قرآن کریم در زیر و رو کردن مفاهیم و ارزشهای جاهلی، و تحوّل فرهنگ جاهلی گروندگان به اسلام به فرهنگ متعالی و ناب الهی، با مطالعه دقیق آیات قرآن کریم آن هم (به ترتیب نزول) به دست می‌آید.

نقطه آغاز تحوّل را در مطلع سوره مبارکه علق و سپس در سوره حمد و مطالع سوره‌های مزمل، مدثر و قلم تا آخرین سوره که مائده باشد می‌بینیم.

دستور خواندن، و فراگیری علم و معرفت، در یک محیط جاهلی و کاملاً بیگانه با علم و معرفت، توجه دادن به نام و نشان ربوبیت و پروردگاری، آفرینش و آفرینندگی و حرکت تکامل یافته هستی و انسان، بذل و بخشش و جود و کرم که برای یک عرب جاهلی بسیار معنادار و با ارزش است، و توجه دادن انسان به منبع بذل و بخشش و سرچشمه جود و کرم و سخاوت که در بخشش علم و معرفت بهترین تجلی را داشته است، و انسان را از تاریکی‌های نادانی به افقهای پرفروغ دانایی رهنمون بوده، نشانگر یک جهش جدید و بسیار متفاوت با دنیای معروف علم در جهان آن روز می‌باشد.

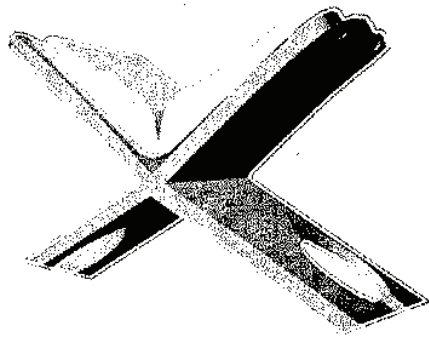
سیر از آیات روشن و محسوس و ملموس الهی به سمت آیات نهفته و از یاد رفته، حرکتی بسیار زیبا، پر جاذبه و دقیق، با یک روان‌شناسی عمیق بوده، که قله‌های معرفت را در دسترس همان انسان عصر جاهلی قرار داد. و با تکرار حکیمانه، و پیوستگی و آراستگی قالب‌های لفظی و مفاهیم بلند، و مراعات ظرفیتها و انگیزه‌ها و ایده‌آلها به صورتی عالمانه و انسان‌شناسانه یک تجربه بسیار بزرگ را عینیت بخشید، و یک جهش عظیم نرم‌افزاری را پدید آورد که دانشمندان هنوز در حال مطالعه عمیق آن هستند و باید باشند.

آنچه مسلم و غیرقابل تردید است، برکات و آثار مثبت این روش الهی در قرآن کریم است که تمدن عظیم اسلامی مدیون و مرهون آن می‌باشد.

تمام محورهای عنوان شده در آیات قرآن به ترتیب نزول هر چند به تنهایی امکان مطالعه را داراست، ولی به صورت پیوسته با سایر مفاهیم و منظومه‌وار و در یک جا و یک واحد همه جانبه و آن هم فراگیر برای تمام زمینه‌های وجودی انسان و جهان، به گونه‌ای دقیق‌تر قابل مطالعه خواهد بود.

آیات ویژه مهدویت را به صورت جداگانه از سایر محورها و زمینه‌های مرتبط به آن می‌توانیم ببینیم، ولی مطالعه آن به صورت یک بخش از یک کل به هم پیوسته، مطالعه‌ای دقیق و عملی بوده و آن را بهتر می‌توانیم دریابیم.

زیرسازهای یک مفهوم و لوازم آن، و مفاهیم مرتبط به آن، در فهم بهتر آن مفهوم - در یک بررسی علمی - امری اجتناب ناپذیر می‌باشد.



زیرساختهای مهدویت در قرآن کریم

۱. هدایت به حق

۲. امامت فراگیر

هدایت به حق، روح امامت راستین بوده و محور اصلی تمام برنامه‌های الهی برای تکامل و پیشرفت صحیح و مطلوب انسان می‌باشد.

هدایتی که خود حق است و انسانها را به سمت حق می‌کشاند، تا با رسیدن به آن، و تحقق کامل آن، یک انسان هدایت یافته، امکان هدایت‌گری پیدا کند، و با رسیدن به قله رفیع

حق‌شناسی، حق‌خواهی و حق‌پرستی، دیگران را به حق‌شناسی و حق‌خواهی و حق‌پرستی رهنمون باشد.

تمام تحولات هستی و جامعه انسانی را بر محور حق، و با هدایت به امر قرار داده است. هادیان الهی، همیشه خود هدایت یافتگانی هستند که هدایتگری مهمترین ویژگی آنان بوده، و یکی از آثار این هدایت‌گری فراگیر، امامت راستین آنان برای دیگران می‌باشد. بنابراین، اساس مهدویت را در اصل اصیل و اجتناب‌ناپذیر «انّ علینا للهدی»^۱ باید بیابیم، و سپس این سیر هدایتگری را در جامعه بشری تعقیب نموده، تا از راه همین ویژگی اساسی به امامان راستین دست یابیم، و اصول و افقهای گسترده و قله‌های مرتفع این هدایت را در کنار هم ببینیم، و کارکرد آن را در عرصه‌های به هم پیوسته زمانی از لابه‌لای سنتهای تخلف‌ناپذیر الهی به دست آوریم، تا این‌که قله رفیع این یگانه محور تکامل بخش و تکامل‌آفرین را در اصل مهدویت راستین ببینیم.

پیروزی مسلم حق بر باطل، و بطلان‌پذیری باطل^۲، و تجلی آن در ستم‌زدایی امامت راستین، و مقهور شدن مفتضحانه ستمگران، و سکنداری متقیان و صالحان و بدست گرفتن رهبری حرکت انسانها، به سمت اهداف والای آفرینش، که در عبودیت گسترده آنان برای حق تجلی می‌یابد، از آثار روشن و بینش عمیق قرآن کریم در طرح حقیقت، و ابعاد و لوازم و نتایج طبیعی و منطقی (اصل هدایت الهی) می‌باشد.

بنابراین، وراثت زمین از آن نیکان است، و پاکان از هر گونه شرک و بت‌پرستی و آلودگیهای ستم و ستمگری در تمام سطوح زندگی و در تمام ابعاد آن؛ یعنی عصمت و مصونیت از هرگونه انحراف، عهده‌داری حاکمیت، در تمام این کره خاکی، را پشت سر خواهد داشت.^۳

و نیاز این امامت به مؤمنان صالح و صابر امری بدیهی بوده و جهاد با کژیها و کژاندیشی‌ها و کژاندیشان را سرلوحه کار آنان قرار خواهد داد.

۱. لیل، ۱۲. «به درستی که هدایتگری بر ما است».

۲. (و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً) (اسراء، ۸۱).

۳. رک: سوره‌های عصر و ذاریات آیه ۵۶ و اعراف، ۱۲۸ و انبیاء، ۱۰۵ و ابراهیم، ۱۳-۱۴ و قصص، ۵-۶ و نور، ۵۵.

در این مجموعه، نقش سنت‌های تخلف‌ناپذیر تاریخ، و نقش انسانها در تحولات فردی و اجتماعی جامعه انسانی، و نقش انبیا و اوصیا در هدایتگری و کمال‌یابی انسان، و نقش امتحان‌ها و آزمونهای الهی در پیشرفت انسان و رسانیدن او به اهداف آفرینش، و نقش امامت راستین همه با همدیگر دیده شده، و قرار گرفتن مهدویت در قله رفیع امامت مسأله‌ای روشن خواهد بود.

باطل ستیزی براساس حق‌طلبی و حق‌خواهی، و ظلم ستیزی برای برچیده نمودن بساط باطل و ستم و شرک و بت‌پرستی براساس اصول شناخته شده عدالت‌مدار، اصلاحی گسترده و فراگیر را می‌طلبد، و جهان انسانیت را با امامتی عدالت‌مدار، آرمان‌گرا و عبودیت‌پرور برای خالق یکتا آشنا می‌سازد و پیوند می‌دهد، و پایان حرکت انسان‌ها را در پیوند ناگسستنی انسان با حق و عبودیت فراگیر و همه‌جانبه و تکامل‌زا رقم می‌زند. که چهره واقعی دین خاتم را چهره‌ای پرفروغ و بی‌بدیل نشان داده «لیظهره علی الدین کله»^۱، و پرچم عبودیت پیوسته انسان‌ها را برای حق که تجلی ربوبیت همه جانبه اوست بر افراشته خواهد نمود و «یعبدوننی لایشرکون بی شیئا»^۲ به بهترین شکل، و در رساترین قامت خود نمایان خواهد گشت.

و بدین ترتیب، دوران غیبت اسرار آمیز، و انتظار شایسته، از فصلهای به‌هم پیوسته این حرکت راستین امامت و هدایت به امر خواهد بود.

و با سپری شدن فصل این بارور شدن طولانی و دوران زمینه‌های تحقق آرمانهای بلند الهی و مهدوی، و با رهنمود قرآنی «ولیبذلکم من بعد خوفهم أمناً»^۳ بستری آرام از امنیت و آرامش را برای پرتوافشانی عبودیت تکامل یافته فراهم خواهد نمود.

دکترین هدایت و امامت در سوره‌های مکی

«ان علینا للهدی»^۴؛ به درستی که هدایت بر عهده ما است.

۱. توبه، ۳۳ «تا دین خاتم را بر تمام ادیان چیره گرداند».

۲. نور، ۵۵.

۳. همان.

۴. لیل، ۹.

راهنمایی، راهبری، دستگیری و هدایت گمراهان بر عهدهٔ آفریننده و هدایتگر اصلی جهان؛ یعنی خداوند متعال می‌باشد.

اما این که چرا وظیفهٔ اصلی هدایت‌گری بر عهده اوست؟ و چه کسانی می‌توانند عهده‌دار این وظیفهٔ بسیار اساسی در حرکت، تکاپو و تکامل کائنات - از جمله انسانها باشند - در آیه‌ای دیگر روشن شده است.

۲. «أفمن يهدى الى الحق أحق أن يتبع أم من لا يهدى إلا أن يهدى، فما لكم كيف تحكمون»^۱.

آیا کسی که به حق هدایت می‌کند سزاوارتر است که پیروی شود یا این که کسی که نیازمند به هدایت دیگران است؟ شما را چه شده است که در این امر بسیار روشن و بدیهی به خطا می‌روید؟

یعنی چگونه می‌پذیرید که هدایت‌گری بر عهده کسی باشد که خود نیاز به آن داشته باشد؟ پر روشن است که نیازمند به چیزی نمی‌تواند دهندهٔ آن به دیگران باشد (وفاقد الشيء لا يعطيه).

بنابراین، هدایت‌گر اصلی باید خود هدایت یافته باشد، و جز خدا هیچ کس چنین شایستگی را ندارد. و بر همین اساس، هدایت‌گران دیگر باید در وهلهٔ اول، خود هدایت یافته باشند. و پیامبران الهی بدون نیاز به تعلیم دیگران، خود معلم آنان هستند و تعلیمات خود را از منبع وحی دریافت می‌نمایند و برای دیگران مشعل‌داران پرفروغ هستند، به همین دلیل آنان سزاوار راهبری و راهنمایی گمشدگان، گمراهان و نیازمندان به هدایت هستند. خدای منان به خاتم پیامبران می‌فرماید:

۳. «و وجدك ضالاً فهدى و وجدك عائلاً فأغنى»^۲.

«خدا تو را گمراه یافت پس هدایت کرد، و نیازمند یافت پس تو را بی‌نیاز نمود».

این امر بیانگر یک اصل اجتناب ناپذیر و بسیار بدیهی می‌باشد. و برای تمامی انبیا همین راه مطرح بوده و می‌باشد.

۱. یونس، ۳۵.

۲. ضحی، ۷.

۴. «اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده»^۱.

«همانا (پیامبران) کسانی هستند که مشمول هدایت (مستقیم) الهی گشته پس به آنان اقتدا و از آنان پیروی کن.»

۵. «وجعلناهم أئمة يهدون بأمرنا و أوحينا اليهم فعل الخيرات»^۲.

«و ما آنان را پیشوا (و پیشرو) قرار دادیم، که با دستور و فرمان ما هدایت می‌کنند، و به آنان از راه وحی، انجام نیکی‌ها را و آنچه که شایسته است تعلیم نمودیم.»

بنابراین، زیرساخت امامت در قرآن کریم، همان هدایت است. هدایت به امر هم فقط توسط هدایتگر اصلی هستی - یعنی خدا - تحقق می‌پذیرد.

حال از این سخن که هدایت وظیفه اصلی او است، و تمام نیازمندان به هدایت، توسط او هدایت می‌یابند؛ چنین می‌یابیم که تمام مردم، در همه اعصار و قرون بدون امام و پیشوا نخواهند بود.

این اصل فراگیر بودن امامت و راهبری را در سوره اسرا می‌بینیم.

۶. «يوم ندعو كل اناس بامامهم»^۳.

«روزی که هر گروهی را با امامشان دعوت می‌کنیم.»

بنابراین، برای هر گروهی از مردم، امامی و پیشوایی منظور شده است و وظیفه آنان پیروی از او می‌باشد.

امامت فراگیر و همه جانبه و در طول زمان و به طور پیوسته، اصل اجتناب ناپذیر قرآنی است.

و این در تمام مقاطع تاریخی تحقق یافته، و ابراهیم (خلیل الرحمن) برای هدایت‌گری الهی منصوب شده و امامت و پیشوایی در این نصب تجلی یافت، و سپس در نسل او ماندگار شد و استمرار این امامت راستین به جهانیان اعلام شده است. آنجا که می‌فرماید:

۷. «وجعلها كلمة باقية في عقبه»^۴.

«خداوند این امامت و هدایت را در نسل او باقی و ماندگار قرار داد.»

۱. انعام، ۹۰.
 ۲. انبیاء، ۷۳.
 ۳. اسرا، ۷۱.
 ۴. بقره، ۱۲۴.

دکترین هدایت و امامت در سوره‌های مدنی

۱. در اولین سوره مدنی چنین می‌خوانیم:

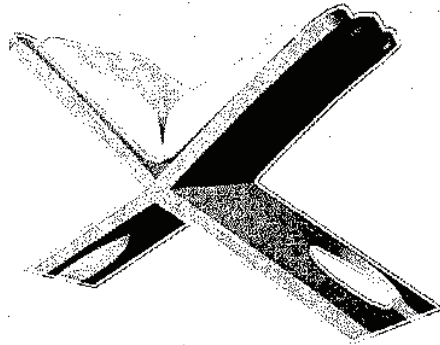
﴿وَاذِ ابْتِلیٰ اِبْرَاهِیْمَ رَبِّهٖ بِكَلِمَاتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا. قَالَ

وَمَنْ ذَرِیَّتِیْ: قَالَ لَا یُنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ﴾^۱.

و به یاد بیاور آن زمانی که پروردگار ابراهیم، ابراهیم را مورد آزمایش قرار داد و با کلماتی او را آزمود و ابراهیم آن کلمات را به انجام رساند و در این آزمون موفق شد، و خدا او را به پیشوایی و امامت منصوب نمود. ابراهیم به پروردگارش عرض کرد: از فرزندانم نیز (امام قرار می‌دهی)؟ پروردگارش فرمود: عهد من - امامت - به ستمگران نمی‌رسد.

یعنی فرزندان ابراهیم که از ستمگری رها هستند به این امامت مفتخر خواهند بود.

بنابراین، امامت الهی و راستین در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام تداوم خواهد یافت، و علت گزینش این افراد برای پیشوایی، فقط شایستگی و پیشتازی آنان در مسیر خیرخواهی اعلام شده است، و این علت را



در سوره‌های مکی ذکر نموده است. آنجا که می‌فرماید:

﴿ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِیْنَ اصْطَفِیْنَا مِنْ عِبَادِنَا... وَ مِنْهُمْ سَابِقُ بِالْخِیْرَاتِ

بِاِذْنِ اللّٰهِ﴾^۲.

به پیشوایان راستین، علم و دانش و کتاب را داده‌ایم. این افراد مورد گزینش قرار گرفته‌اند... علت این گزینش شایستگی آنان می‌باشد و نشانه این شایستگی پیشتازی آنان در انجام نیکی‌ها و خیرات (و خیرخواهی) می‌باشد، که آنان را بر دیگران مقدم می‌دارد.

۲. در سوره نساء - که ششمین سوره مدنی است و در آغاز مرحله تأسیس و راه‌اندازی حکومت الهی در مدینه نازل گردیده - مسأله ولایت امر و حاکمیت الهی توسط پیامبر مطرح می‌باشد دستور اطاعت و فرمانبرداری همه جانبه و بی‌چون و چرا به مؤمنان داده می‌شود، و مؤمنان به لوازم پیامبری و حاکمیت توجه داده می‌شوند. آنجا که می‌فرماید:

۱. زخرف، ۲۸.
۲. فاطر، ۳۲.

﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾^۱

«فرمانها و دستورات خدا را گردن نهید و همچنین دستورات پیامبر و دارندگان فرمان، از خودتان را».

یعنی فرمانبرداری همه جانبه، لازمه حاکمیت خدا و پیامبر و فرمانداران تعیین شده از طرف او می باشد.

دارندگان امر و فرمانداران مورد نظر قرآن کریم چه کسانی هستند؟

در دهمین سوره مدنی؛ یعنی سوره رعد خط کلی این اصل فراگیر رانیز توضیح و پایه گذاری نموده است. هدایت گری، روح این فرماندار بودن و پیشوایی است که اصلی فراگیر و مستمر در طول تاریخ خواهد بود.

۳. بنابراین، در سوره رعد که دهمین سوره مدنی است، اصل ضرورت استمرار هدایت - که زیرساخت و روح امامت است - بیان شده است، و پیامبر را بیم دهنده ای که برای نسلهای حاضر و آینده فرستاده شده، معرفی نموده، و در کنار او هدایت کننده ای برای هر قوم و هر نسل تثبیت شده است.

﴿انما أنت منذر و لكل قوم هاد﴾^۲

و در آیات بعدی این هدایت گری که در امامت و ولایت امر تجلی یافته مطرح می شود، و فرد مورد نظر را با مشخصات روشن و دور از هر گونه ابهام بیان می کند.

۴. سوره مائده که آخرین سوره قرآن به ترتیب نزول می باشد، عهده دار توضیح کافی و تثبیت این اصل امامت راستین است که با آیات گوناگون و ناظر به هم، که در آغاز و در لایه لای آیات سوره مائده گنجانده شده است، منجز و محقق بودن این اصل، و به عنوان عنصر کمال دهنده دین مبین اسلام مطرح شده است.

آنجا که می فرماید:

۵. ﴿اليوم یس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون، الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا﴾^۳

۱. نساء، ۵۹.
۲. رعد، ۹۶.
۳. مائده، ۳.

با توجه به ترتیب نزول آیات مربوطه در این سوره، پیش از این آیه سوم که در صدر سوره آمده، آیه شریفه (۶۷) نازل گردیده بود؛ یعنی:

۶. ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ

رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ، أَنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۱.

که در این آیه دستوری قاطع و دندان شکن و تهدیدی بزرگ برای تخلف از ابلاغ این دستور - که آخرین دستور از دستورات اساسی دین مبین اسلام است - مطرح شده است.

۷. البته پیش از آیات ویژه حجة الوداع، آیه شریفه ۵۵ در سوره مائده و در مناسبتی پیش از حجة الوداع، ولایت امر را در ولایت خدا و پیامبر و مؤمنانی که ویژگیهای آنان در آیه و به صورت منحصر به فرد - البته با اشاره به حادثه معروف صدقه دادن یک انگشتری توسط حضرت علی (ع) در حال نماز - حصر شده است.

این تسلسل آیات، نشانگر تدرج قرآن کریم در مطرح نمودن اصل امامت راستین است، که مرحله به مرحله باید مسلمانان با این اصل آشنا شده و آن را در فرهنگ خود به گونه‌ای نهادینه شده ببینند.

و با تحکیم پایه‌های این اصل استوار اسلام که نشانگر ابدیت و جهانی بودن و به روز بودن اسلام است و هیچ‌گونه جای‌گزینی نیز ندارد، در آیه‌های مکی و مدنی، به طور موازی اصول و شعارهای استراتژیک اصل راستین مهدویت و عدالتخواهی فراگیر اسلام نیز مطرح شده است، و پا به پای اصل هدایت و امامت، شعار عدالت طلبی و عدل‌گستری اسلام همراه با روش صحیح، پایه‌گذاری، و گسترش این فرهنگ در جامعه اسلامی و انسانی به چشم می‌خورد. و اینک به مهمترین آیات مربوط به این اصل اشاره می‌شود.

دکترین مهدویت در سؤر و آیات مکی قرآن کریم

دکترین مهدویت دارای اهداف بلند، روشن، انسانی و اسلامی است.

عدالت شایسته اسلام در گستره جهان، در آن روزهای تاریک چگونه مطرح می‌گردد تا مایه امیدواری گردیده، گرایش به اسلام را در وجود مخاطبان رسالت پیامبر برانگیزاند؟

۱. آیات سوره مبارکه عصر^۱ پایه‌های استوار و روش صحیح نجات انسانیت از تباهی و خسران را مطرح و مورد تأکید قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که در آن روزها، اعراب جاهلی متوجه خطیر بودن پیام جهانی اسلام نمی‌شدند، و نمی‌توانستند متوجه عظمت این ایده بی‌بدیل باشند، و گرنه با تمام وجود خود و با رفتن زیر پوشش اسلام، سعی می‌کردند تا به آرزوهای بلند خود جامه عمل بپوشانند. شاهد این مطلب این است که بنی امیه وقتی که به تسلیم شدن در برابر پیامبر ناچار شدند، سعی کردند که تمام اهداف توسعه‌طلبانه خود را با نام اسلام و با شعار حکومت و خلافت اسلامی جامه عمل بپوشانند.

قرآن کریم چهار اصل: ایمان، تلاش گسترده و همه جانبه (عملوا الصالحات)، و سفارش همدیگر به حق (حق‌مداری و حق‌خواهی)، و سفارش همدیگر به صبر و استقامت و پایداری را یگانه راه رسیدن به جامعه مطلوب و گسسته از تباهی می‌داند که این جامعه جامعه‌ای آرمانی و انسانی و فرامادی خواهد بود.

۲. در سوره اعراف، آیه ۱۲۸ نیز وراثت زمین را از آن جامعه با تقوا می‌داند و مسیر طبیعی تاریخ را به سمت انتخاب اصلاح و احسن که در جامعه متقین تبلور می‌یابد ترسیم می‌نماید.

۳. در سوره انبیا آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ نیز وراثت زمین را از آن بندگان نیک و صالح و شایسته خدا قلمداد نموده است؛ بندگانی که عبودیت خدا را سرلوحه وجود و حرکت خود قرار داده‌اند.

﴿ان الارض يرثها عبادي الصالحون. ان في هذا لبالغا لقوم عابدين﴾^۲

۴. در حالی که در سوره قبل از این سوره، به ترتیب نزول؛ یعنی سوره مبارکه ابراهیم، سنت نابودشدن ستمگران و وراثت نمودن خدا باوران و خداترسان مطرح شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد.

﴿فاوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين و لنسكننكم الارض من بعدهم ذلك لمن خاف مقامى و خاف وعيدى. واستفتحوا و خاب كل جبار عنيد﴾^۳

۵. همین معنا در مطلع سوره قصص که چهل و نهمین سوره به ترتیب نزول است درباره فرعون، هامان و کارگزاران آنان مطرح می‌شود. و وراثت زمین به مستضعفان را عنوان می‌نماید.

۱. سوره عصر سیزدهمین سوره به ترتیب نزول می‌باشد.

۲. انبیا (۷۲) سوره به ترتیب نزول می‌باشد.

۳. ابراهیم (۷۲) سوره به ترتیب نزول، آیات ۱۳ - ۱۵.

۶ در شصت و هفتمین سوره مکی؛ یعنی سوره ذاریات، هدف نهایی آفرینش؛ یعنی عبادت حق مورد تأکید قرار می‌گیرد تا هماهنگی هدف آفرینش با هدف ارسال پیامبران و وراثت زمین توسط صالحان با تقوا اعلام گردد، و مهدویت، نوید بخش تحقق تمام اهداف آفرینش باشد.

دکترین مهدویت در سوره‌های مدنی قرآن کریم

چنانچه اهداف و شعارهای دولت مهدوی را در سوره‌های مدنی دنبال کنیم خواهیم دید که یک خط سیر تکاملی در طرح شعارها و اهداف این دولت موعود وجود دارد، و آیات سوره‌های مدنی مصرانه و مبتکرانه با توجه به زیرساختهای مطرح شده - و به گونه‌ای هماهنگ با اهداف و سنتهای یاد شده در آیات سوره‌های مکی - حکومت عدل جهانی و اسلامی را قاطعانه و بسیار آشکار و به عنوان یک استراتژی اسلامی قرآنی در آینده‌ای نه چندان دور، و به عنوان یک ارزش دست یافتنی مطرح می‌نماید.

۱. در هفدهمین سوره مدنی؛ یعنی سوره مبارکه نور و در آیه ۵۵ صریحاً وعده‌ای الهی؛ آن هم وعده‌ای برای مؤمنان شایسته، و گروه صالحان نیک‌اندیش و نیکوکار از میان مسلمانان داده شده است، و خلافت الهی را در گستره زمین همراه با اقتدار دینی و معنوی، و همراه با امنیت همه جانبه و جهانی؛ آن هم براساس حق‌پرستی و حق‌مداری توسط این جمع از مؤمنان پیش‌بینی نموده، و این وعده الهی همراه با بشارت و امیدواری مقتدرانه در جبین این سوره سراسر نور و روشنایی می‌درخشد، که جا دارد هر مؤمنی آن را همیشه ورد زبان خود قرار دهد و آن را برای خود و دیگران زمزمه کند و شعار خود قرار دهد تا در مراحل سازنده انتظار، در راستای آن به گونه‌ای حرکت کند و امکانات خود را بسیج نماید تا به راز نهفته انتظار به طور صددرصد نایل گردد.

﴿وعدا لله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً﴾^۱

در این آیه حداقل به ده ویژگی مهم اشاره شده است و این ویژگی‌ها ویژگیهای دوران ظهور است و همچنین به ویژگی‌های مؤمنان در دوران انتظار سازنده نیز اشاره نموده، و تکلیف مؤمنان را در دوران انتظار نیز روشن کرده است.^۱

۲. برنامه تفصیلی این دولت عدل مدار و جهانی که در قرآن وعده آن آمده است و راهبر و تحقق بخش آن توسط خداوند هادی و خداوند هدایت‌گر است، در سوره مبارکه حج - که یکصد و چهارمین سوره در ترتیب نزول و هجدهمین سوره مدنی است - مطرح می‌شود، آنجا که می‌فرماید:

﴿الذین إن مكناهم فی الارض، أقاموا الصلاة و آتوا الزكاة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الأمور﴾.^۲

که با توجه به آیه ۵۵ سوره نور، همان تمکین مطرح شده، در آنجا نیز تکرار شده و به گونه‌ای روشن‌تر مورد بحث قرار می‌گیرد، و همچنین عبادت حق که با «عبودنتی لایشرکون بی شیئاً» به اجمال مطرح شده، در برنامه‌ای تفصیلی و فراگیر؛ یعنی: اقامه نماز، پاسداری از زکات، امر به معروف و نهی از منکر که وظیفه‌ای فراگیر و همه جانبه می‌باشد، به عنوان شاخصهای اصلی این حکومت مقتدر مهدوی (و هدایت یافته) خواهد بود.

۳. در آیه نهم از سوره مبارکه صف، که یکصد و یازدهمین سوره به ترتیب نزول و بیست و پنجمین سوره مدنی است، هدف نهایی رسالت خاتم پیامبران، در مقایسه‌ای با سایر رسالت‌های گذشته، هدفی عالمانه و هدایت‌گرانه و شفاف ترسیم می‌شود و کمال هدایت‌گری و آنچه که هدایت شمرده می‌شود مطرح می‌گردد و دین و آیینی که سراسر، حق است و با حق فرستاده

۱. البته توضیح بیشتر، بحث جداگانه‌ای می‌طلبید که امید است با توفیق حضرت حق در رساله‌ای جداگانه مورد توجه ویژه قرار گیرد. و به اجمال به این ویژگی اشاره می‌نماییم:

الف. وعده تخلف ناپذیر الهی؛

ب. برای جمع مؤمنان و جامعه با ایمان؛

ج. این جامعه با ایمان از میان مسلمانان بوده؛

د. مؤمنان وعده داده شده انسانهای نیکوکار و اهل عمل به نیکی‌ها می‌باشند؛

ه. این مؤمنان به خلافت الهی و اقتدار می‌رسند؛

و. این اقتدار در تمام گستره زمین خواهد بود؛

ز. در این اقتدار دین خدا حاکمیت پیدا می‌کند و پرچم اسلام در سرتاسر زمین برافراشته می‌گردد؛

ح. با ظهور، تا مرحله ترس سپری می‌شود و امنیت کامل جای آن را می‌گیرد؛

ط. در چنین بستری از اقتدار اسلام، مردم خدا را مخلصانه عبادت می‌کنند.

در چنین شرایطی هیچگونه عذری برای انحراف و کجروی و کج‌اندیشی باقی نمی‌ماند.

۲. حج، ۴۱.

شده است؛ آن هم با چشم‌اندازی جهانی و قیومیت و اقتداری فراجناحی و فرادینی مطرح می‌شود، و با تعبیر **«لیظهره علی الدین کله»** و سپس با پسوندی بسیار گویا و پر معنا و با تعبیر **«ولو کره المشرکون»**؛ «هر چند که مشرکان ناخشنود باشند» و علیرغم خواست آنان، این اقتدار و این حاکمیت دینی تحقق می‌پذیرد. این تکامل در طرح و در ترسیم اهداف رسالت خاتم پیامبران به سمت نهادینه کردن این فرهنگ و این اهداف جهانی حرکت می‌کند و در همین محور شاهد تحولی چشم‌گیر در تثبیت این حقایق خواهیم بود.

۴. در سوره مبارکه فتح که یکصد و دوازدهمین سوره به ترتیب نزول است همین تعبیر مطرح شده در سوره صف نیز آمده است، ولی در آخر آیه به جای **«ولو کره المشرکون»**، جمله **«وکفی بالله شهیدا»** به چشم می‌خورد که بیانگر رعایت و هدایت و نظر مستقیم الهی بر این حرکت تکاملی تاریخ، و سنت جریان یافته الهی می‌باشد.

۵. و بار دیگر؛ یعنی برای سومین بار در آیه ۳۳ از سوره مبارکه توبه، که یکصد و سیزدهمین سوره به ترتیب نزول می‌باشد همان آیه سوره صف تکرار می‌شود تا این اصل اساسی و چشم‌انداز حکومت اسلامی مهدوی بدون شک و تردید و با لحنی قاطعانه برای تمام نسلها باقی بماند و ماندگار گردد.

۶ البته در هر دو سوره صف و توبه نباید از تکرار یک آیه مهم چشم‌پوشی کنیم. آیه‌ای که تمام تلاشهای ستمگران را نقش بر آب نموده و تمام نقشه‌های تخریبی آنان را که در جهت انهدام دین مبین اسلام انجام می‌پذیرد، بسیار پوچ و بی‌ارزش و بی‌نتیجه قلمداد می‌کند. در سوره صف چنین آمده است:

«یریدون لیطفوا نورا لله بأقواهم والله متم نوره...»^۱

آنها می‌خواهند که نور خدا را با قوت دهان خود خاموش کنند، در حالی که خدا نورش را تمام نموده و رسالت خاتم پیامبران را به اهداف نهایی آن می‌رساند. هر چند که کافران ناخشنود باشند و هیچ‌گونه تمایلی نداشته باشند که اسلام آشکار شود و بر خلاف میل آنان اهداف رسالت تحقق می‌پذیرد.

و همین مفاهیم و واژه‌ها در سوره مبارکه توبه تکرار شده است، اما با یک نکته بسیار نغز که هر گونه تردید و احتمال عقب‌نشینی یا تخلف در متن اراده الهی را نفی می‌کند و با استفاده از کلمه مفید حصر می‌فرماید:

«و یأیی الله الا آن یتّم نوره»^۱

«و او نمی‌خواهد مگر این که نور خود را تمام کند».

یعنی خدا اصرار دارد که نور خود را تمام کند.

و بدین ترتیب با این مقدمه گویا اهداف رسالت برفراز تاریخ به سوی قله‌ای دست‌یافتنی، مسلمانان را بسیج می‌نماید. و تمام تلاشهای کافران و مستکبران را در دوران انتظار، پوچ، بی‌فایده و بی‌حاصل نشان می‌دهد، و اراده الهی که از آستین مؤمنان راستین و هدایت‌گران صادق در می‌آید به منصفه ظهور می‌رسد.

۷. و بالأخره، با دست با کفایت امامت راستین، تمام امیدهای کافران به یأس مبتدل می‌شود و دیگر ترس از آنان و نقشه‌های جهنمی و خانمان برانداز آنان معنا ندارد.

«الیوم یش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه و اخشون»^۲؛ و با توجه به امامت راستین،

که بر قله بلند آن حکومت عدل مهدوی و امامت هدایت‌گر علوی ارزشهای الهی را در متن برنامه‌های خود تجسم می‌دهد، دین پیامبر خاتم، دینی کامل و تمام عیار گشته، هیچ‌گونه نقص و کاستی نداشته، و از هر گونه عیب و آفتی مبرا می‌باشد.

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام

دیناً»^۳.

با نصب امامان راستین و تحقق اهداف کلان امامت راستین، دین شما کامل می‌گردد و نعمت خدا بر شما نعمتی تمام و کمال گشته، و اسلام دین مرضی و مورد پسند حق برای خلق شده است.

بنابراین، باید تمام اهداف امامت راستین تجلی یابد تا کمال دین در عرصه هستی رخ نماید و تمام اهداف آفرینش را در سراسر گیتی به منصفه ظهور برساند.

۱. توبه، ۳۲.

۲. مائده، ۳.

۳. مائده، ۳.

سخن آخر

ختم سخن در این مقاله و راهی که طی نمودیم در سه مرحله قرار داشت:
 مرحله یکم: بدست آوردن روش قرآن کریم در عرضه فرهنگ آفرینی تا در پرتو آن به روش قرآن در عرضه دکترین مهدویت پردازیم.
 مرحله دوم: زیرساختهای دکترین مهدویت را در قرآن کریم در اصل هدایت فراگیر و اصل امامت فراگیر و راستین یافتیم، و نحوه طرح آن را در سوره‌های مکی و سپس در سوره‌های مدنی پی‌گیری نمودیم.
 مرحله سوم: روش مطرح نمودن اصول و اهداف دکترین مهدویت را در سوره‌های مکی و سپس در سوره‌های مدنی تعقیب نموده، روش نهادینه شدن مفاهیم اصلی و ساختار دکترین مهدویت را بدست آوردیم.